

فصلنامه علمی - پژوهشی اسلام شناسی

صاحب امتیاز:

مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت

زهرا (سلام الله علیها)

در این شماره می خوانید:

- ۲..... سرمقاله
- ۳..... مناجات
- نیاز جامعه به دین / زینب صنوبری ۴
- رسانه های غربی و باورهای دینی / مریم قلی بیگی ۸
- شعر/ وجهه کلیدی ۱۲
- فرهنگ پایداری ۱۳
- جایگاه شرور در نظام آفرینش / سیده زهرا گلمکانی ۱۴
- خاطرات مرد مهربانی ۱۷
- دین و سینما / ملیحه حسینی ۱۸
- برگی از زندگی خوبان ۲۲
- جامعه آرمانی عصر ظهور / فهیمه رئوف ۲۴
- خبر ۲۸
- گزارش ۳۲

* مطالب نشریه صرفاً نگر دیدگاه نویسندگان

ن مقالات می باشد

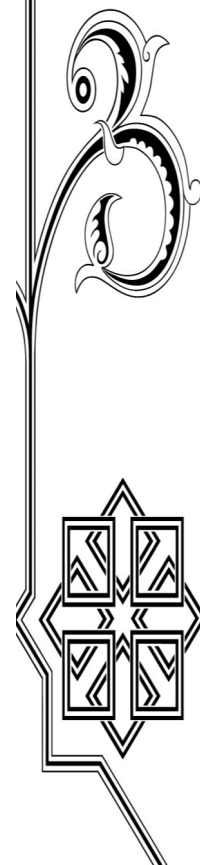
* فصلنامه اسلام شناسی از مقالات و

آثار شایسته و در فصلنامه استقبال

آدرس: مشهد خیابان چهارراه لشکر - امام خمینی ۴۸ - مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها

بِسْمِ اللَّهِ

سوره مقاله



گرد و غبار روزگار فرو می نشیند و زمین آرام می گیرد. صوتی آسمانی در گوش زمان می پیچد. این الرجیبون؟! آری ندای بنده پروری است در شروع ماه رجب المرجب. همان ماه مقدمه ضیافت الهی که خود نیز ضیافت عظیم دیگری است. ماه تقدیم بندگی و اقدام به خودسازی که خداوند کمک میکند به کسی که بخواهد نفس خویش را اصلاح کند. (۱) ماه استغفار و امید به عفو خداوند.

ماهی که مفتخر گردیده است به روزهای نور و روشنایی، یعنی همان ایام البیض که نشانی است از کرامت الهی و تکرار اذکار استغفار و امیدواری داده شده به مغفرت، گواه دیگری است از توجه خاص خالق عظیم به مخلوق ضعیف. انگار که قلبهایمان به انتظار غبار رومی اینچنین ایام مبارکی به سر میبرند تا قابلیت یابند، انواری از عبودیت و ایمان انعکاس دهند. چنین است که تمام نگرانی را کنار نهاده و معتکف میشوی در خانه خداوند و بر قداست و برکت این ماه عظیم شکر میگذاری. چرا که خواننده ایما یفعل الله بعبادکم ان شکرتم و امنتم و کان الله شاکراً علیماً (اگر شکرگذار پروردگار باشید و ایمان آورید خداوند شما را عذاب نمیکند و به راستی که خداوند شکر پذیر و دانا به احوال است). (۲)

ماه رجب منتسب به کسی است که سیمای عبودیت و محبت مطلق است. مولای آفتاب امام علی ابن ابی طالب (علیه السلام) همو که خود زیباتر از هر قلمی و مؤثرتر از هر بیانی، نه بر صفحه نوشتار که بر تاریخ روزگاران، چنین مینگارد: الهی کفی بی عزاً ان اکون لک عبداً و کفی بی فخراً ان تکون لی ربا انت کما احب فاجعلنی کما تحب. خدایا مرا این عزت بس که بنده تو باشم و این فخرم بس که پروردگارم تو باشی. تو انچنانی که من دوست دارم پس مرا آن سان که میخواهی بگردان.

سرنوشت عالم هستی در این ماه عظیم رقم میخورد. آری مبعوث شد رسول اعظم (صلوات الله علیه و آله و سلم) پیامبری از نسل خلیل الرحمان که حامل تمام نیکی ها و مظهر تام اسماء الله است. همان کسی که صاحب خلق عظیم است. (۳)

به راستی که این چنین آثار و تعلیماتی است که فرزندان امت را مؤمن به رسالت رسول رحمت و ولایت امیرمؤمنان گردانیده است. همان تعالیم و باورهایی که مرزهای امت اسلام را حرمت بخشیده اند و شاگردان ممتاز و مؤمن این مکتب چه غیرتمندانه، یکی از ارزشمندترین مدافعات را در عملیات بیت المقدس در سوم خرداد سال ۱۳۶۱ شمسی رقم زدند. زیرا که قلبا باور کرده بودند که: ان تنصر الله ینصرکم و یتبیت اقدامکم اگر خداوند را یاری کنید، شمارا یاری میکند و گامهایتان را استوار میسازد

درود و صلوات بر جانها و ارواح رزمندگان و شهدایی که فرمان الهی را در دفاع از حرمت و ناموس و اعتقادات اطاعت کردند و رهبر خویش خمینی کبیر (ره) را لیبیک گفتند و در حقیقت، پروردگار خویش را یاری نمودند. باشد که بمانیم و بدانیم و عمل کنیم.

(۱) کلامی جاودانه از مولا علی (ع)

(۲) سوره نساء آیه ۱۴۷

(۳) تلمیحی به آیه ۴ سوره قلم



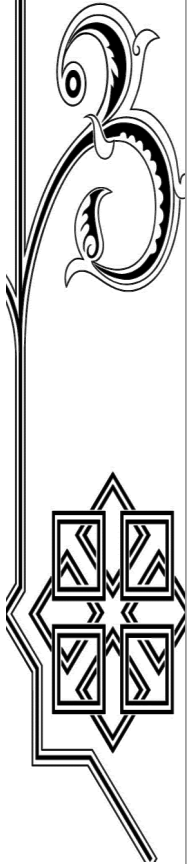
مجلات

۳

اسلام شناسی

شماره ۳۵

سال چهارم از تولید ملی



خداوندا می ترسیم، می لرزیم، وحشت داریم، خوفناکیم، گریانیم، غصه داریم، درد دل داریم، غفلت زده ایم، وامانده ایم، مفلوک و بیچاره ایم ، ناتوانیم، فریادمان رسا نیست، دیگر عبادتمان از روی خلوص نیست، وای خدای بزرگ، نکند که دل به دنیا بسته ایم، و خودمان غافلیم، عشق به این معشوق عصیان زده و این عروس شیطان که تا صبح با کسی به مهربانی به سر نبرد، ما را از عشق به لقایت باز داشت.

می ترسیم زیرا ترس از فشار قبر داریم، می لرزیم از لحظه حساب در روز مقدس موعودت، وحشت از آن داریم که نکند نامه اعمالمان سیاه باشد، خوفناک از آتش و زبانه های جهنم هستیم ، گریان از فراق روی تو و آل محمد (ص) ایم، غصه از آن داریم که با حسین (ع) محشور نشویم، درد دل به درگاه تو داریم که شاید با التجاء و تضرع ما را اجابت کنی، غافل از اعمال خود هستیم، زیرا اهمیت زیادی برای واجبات و ترک محرمات قائل نیستیم و ناتوانیم چون شیطان ما را به هر سوی می کشاند، فریادمان رسا نیست، زیرا حرفمان حرف دلمان نیست، حرف نفس است و غیر تو. پروردگار من ، به نظرم می آید در درگاه تو در روز محشر ایستاده ام، آخر من چه دارم که بگویم.-

آنقدر دنیا ماتم سراسر است که غصه در آن بی معنا است.

ماندن گریه دارد، وحشتناک تر ، ماندن همراه با گناه، غرور ، تکبر، راحت طلبی، غفلت و... است....

دل نوشته سردار شهید حمید رسولی



نیاز جامعه

به

دین

زینب صنوبری



در نوشتار حاضر، تلاش شده تا نیاز جامعه مدرن به دین، اثبات و بطلان دیدگاه بی نیازی بشر از دین، روشن گردد. دین از دو طریق در ایجاد کنترل اجتماعی، نقش آفرینی می نماید؛

طریق نخست، تولید ارزش ها و هنجارهاست؛ یعنی دین، ارزش ها و هنجارهای خاص خود را بر پیروان خویش، عرضه می کند و گستره این امر تا آن حد است که می توان گفت بخش عمده ای از ارزش ها و هنجارهای مهم اجتماعی (از جمله هنجارهای روزمره زندگی) معمولاً در قلمرو دین قرار دارد و دین از طریق تقویت این ارزش ها و هنجارها نقش خود را در کنترل رفتار افراد به شکل مؤثری حفظ می کند.^۱

طریق دوم، ایجاد هم بستگی اجتماعی است. براساس دیدگاه تراویس هیرشی در کنترل اجتماعی، کجروی در درجه نخست، ناشی از "ضعف یا گسستگی تعلق فرد به جامعه" و همچنین "تضعیف اعتقادات و باورهای موجود در جامعه" است.^۲ بنابراین، دین از طریق تحکیم ارزش ها و ایجاد هم بستگی اجتماعی به وسیله مناسک و مراسم دینی، نقش کنترلی و نظارتی خود را نیز ایفا می کند. به عبارت دیگر دین با ایجاد هم بستگی و تقویت روحیه گروهی، نقش کنترلی و نظارتی خود را نیز اعمال می کند.

کارکردهای دین در حوزه اخلاق در جامعه مدرن:

مهم ترین اثرات دین در ارتباط با اخلاق در جامعه مدرن، عبارت است از:

الف. عقلانیت و معنا بخشی به اصول اخلاقی:

شهید مطهری می فرماید: خداشناسی، سنگ اول آدمیت است، انسانیت و آدمیت و اخلاق بدون شناختن خدا معنا ندارد، یعنی هیچ امر معنوی بدون این که سر سلسله معنویات پایش به میان آید معنا ندارد. ... وقتی که پایه در روح بشر نباشد، چرا انسانیت؟ به من چه ربطی داره؟ ... اگر ایمان نباشد اخلاق مثل اسکناسی است که پشتوانه ندارد.^۱

ب. شناسایی بعضی اصول اخلاقی:

از آن جا که کارایی عقل، منحصر به درک کلیات اصول اخلاقی است؛ بنابراین درک جزئیات و مصادیق اصول اخلاقی برعهده دین است و در این موارد، اخلاق به دین نیازمند است.^۲ این نظریه، نه تنها در میان قائلین به عدم تمایز دین و اخلاق، اجماعی است، حتی متفکرانی معتقد به استقلال اخلاق از دین، نیز نقش دین در شناسایی برخی اصول اخلاقی را انکار نکرده اند

یکی از انتظارات ما از دین، این است که به ما اخلاقیات و ارزش های اخلاقی را بیاموزد، اما این ارزش ها به دو دسته خادم و مخدوم نسبت به زندگی تقسیم می شود.

پس از تحقق یافتن روشنگری ادعا می شد که دیگر عصر دین به پایان رسیده؛ زیرا دین مربوط به دوران کودکی و صغارت بشر بوده است. ولی بعد از مدتی سلطه عقلانیت و کنار رفتن دین از عرصه حیات انسانی، مجدداً دین در حال برگشتن در متن زندگی انسان هاست. این برگشت مجدد، نشانه ضعف و ناتوانی عقلانیت مدرن است. عقلانیت مدرن، نه تنها قدرت پاسخ گویی به نیازهای اساسی و بنیادی انسان را نداشته و ندارد، بلکه در سطح فردی و اجتماعی، بحران های را به وجود آورده که بشر را شدیداً تشنه دین نموده است.

پی نوشت

^۱ یانرا برتسون، درآمدی بر جامعه شناسی، ترجمه حسین بهروان، ص ۳۳۶.

^۲ علی سلیمی و محمد داوری، جامعه شناسی کجروی، ص ۵۷۹

^۳ مطهری مرتضی، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۴۰۰

^۴ جعفر سبحانی، ارتباط دین و اخلاق در مجله کلام اسلامی، ص ۷

می‌خواهیم حدود پوششی که در اسلام بر زن واجب شده است با توجه به همه دلائل موافق و مخالفی که در مسأله هست ، از دیده فقهی بررسی کنیم . مجدداً توضیح می‌دهیم که بحث ما جنبه علمی دارد نه فتوائی . این بنده نظر خودم را می‌گویم . و هر یک از شما باید عملاً به فتوای همان مجتهدی عمل کند که از او تقلید می‌نماید ، قبلاً لازم است مطالبی را که از نظر فقه اسلامی قطعی و مسلم است مشخص کنیم و سپس به مواردی که مورد اختلاف و قابل بحث است بپردازیم :

۱- در اینکه پوشاندن غیر وجه و کفین بر زن واجب است از لحاظ فقه اسلام هیچگونه تردیدی وجود ندارد . این قسمت جزء ضروریات و مسلمات است نه از نظر قرآن و حدیث ، و نه از نظر فتاوی ، در این باره اختلاف و تشکیکی وجود ندارد . آنچه مورد بحث است پوشش چهره و دستها تا مچ است .
۲- مسأله ” وجوب پوشش ” را که وظیفه زن است از مسأله ” حرمت نظر بر زن ” که مربوط به مرد است باید تفکیک کرد .

ممکن است کسی قائل شود به عدم وجوب پوشیدن وجه و کفین بر زن ، و در عین حال نظر بدهد به حرمت نظر از جانب مرد . نباید پنداشت که بین این دو مسأله ملازمه است

حجاب مسئله

همچنانکه از لحاظ فقهی مسلم است که بر مرد واجب نیست سر خود را بپوشاند ولی این دلیل نمی‌شود که بر زن هم نگاه کردن به سر و بدن مرد جایز باشد . بلی ، اگر در مسأله نظر ، قائل به جواز شویم ، در مسأله پوشش هم باید قائل به عدم وجوب شویم ، زیرا بسیار مستبعد است که نظر مرد بر وجه و کفین زن جایز باشد ولی کشف وجه و کفین بر زن حرام باشد . بعداً نقل

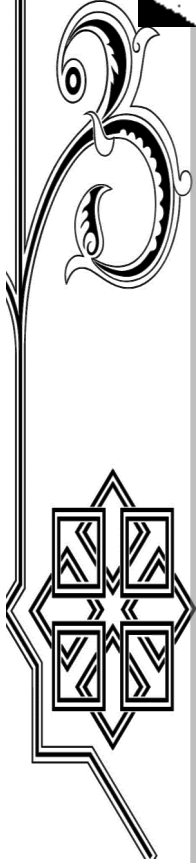
به بهانه

سالگرد شهادت

متفکر شهید

مرتضی مطهری





خواهیم کرد که در میان ارباب فتوا در قدیم کسی را نمی‌توان یافت که قائل باشد به وجوب پوشیدن وجه و کفین باشد ولی هستند کسانی که نظر را حرام می‌دانند.

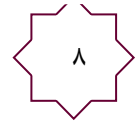
۳- در مسأله جواز نظر، تردیدی نیست که اگر نظر از روی تلبذ یا ریه باشد حرام است. تلبذ یعنی لذت بردن، و نگاه از روی تلبذ یعنی نگاه به قصد لذت بردن باشد، و اما ریه یعنی نظر به خاطر تلبذ و چشم چرانی نیست، ولی خصوصیت ناظر و منظور الیه مجموعاً طوری است که خطرناک است و خوف هست که لغزشی به دنبال نگاه کردن به وجود آید. این دو نوع نظر مطلقاً حرام است، حتی در مورد محارم. تنها موردی که استثناء شده، نظری است که مقدمه خواستگاری است

که در این مورد اگر تلبذ هم باشد - که معمولاً هم هست - جایز است. البته شرطش اینست که واقعا هدف شخص، ازدواج باشد یعنی مرد جدا به خاطر ازدواج بخواهد زن را ببیند، و از لحاظ سایر خصوصیات مورد نظر، زن را پسندیده باشد، نه آنکه برای چشم چرانی قصد ازدواج را بهانه قرار دهد. قانون الهی مانند قانونهای بشری نیست که بتوان با صورتسازی خیال خود را راحت کرد. در اینجا وجدان انسان حاکم است و خدای متعال که هیچ چیز بر او پوشیده نیست محاسب. باید گفت در حقیقت استثنائی در کار نیست، زیرا آنچه قطعاً حرام است نگاه به قصد تلبذ است و آنچه مانعی ندارد اینست که نگاه به قصد تلبذ نباشد ولی تلبذ قهراً پیدا شود.

فقهاء تصریح کرده‌اند که جایز نیست کسی به زنها نگاه کند تا در بین آنها یکی را انتخاب کند. آنچه جایز است، در مورد یک زن خاص است که به او معرفی شده است و درباره‌اش می‌اندیشد، از سایر جهات تردیدی ندارد فقط از نظر چهره و اندام تردید دارد، می‌خواهد ببیند آیا می‌پسندد یا نه؟ برخی دیگر از فقها به صورت احتیاط مطلب را بیان کرده‌اند.

[برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به](#)

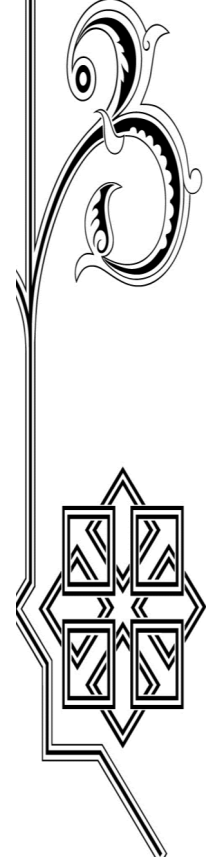
مسئله حجاب / متفکر شهید مرتضی مطهری / انتشارات صدرا



رسانه‌های غربی تلاش دارند تا باورهای دینی مردم را بر طبق خواسته‌های خود تغییر دهند، مجموعه‌ی حاضر نیز حاوی مطالبی اندکی در این زمینه است که به طور کلی به تأثیر رسانه‌های غرب بر باورهای دینی، چهره‌ی مسلمانان در این رسانه‌ها مخصوصاً هالیوود و مهدویت در آن، پرداخته‌است.

استکبار جهانی بزرگ‌ترین مانع خود برای رسیدن به اهدافش را اسلام و مخصوصاً مذهب تشیع می‌داند، به همین دلیل سالیانه میلیاردها دلار صرف فعالیت‌های ضدفرهنگی می‌کند تا باورها، اعتقادات و رفتار مردم مسلمان را تغییر دهد و این سد محکم که اسلام بر سر راهش بسته، بشکند. از جمله این فعالیت‌های ضدارزشی و ضد فرهنگی می‌توان به ساخت فیلم‌های هالیوودی، سریال‌های فارسی‌زبان شبکه‌های اسرائیلی، بی‌بی‌سی فارسی انگلیس و... نام برد.

لذا بر هر مسلمانی لازم است که از نقشه‌های شیطانی دشمن خود آگاه باشد تا تبدیل به سرباز پیاده‌نظام او و مهره‌ی بازی‌اش نگردد.



رسانه‌های غربی

و باورهای دینی

از اهداف رسانه‌های غربی علیه فرهنگ اسلامی می‌توان به این چند مورد اشاره نمود:

- انتقال فرهنگ منحط غرب - مدگرایی - ضعف باورهای دینی و مذهبی - ترویج بی‌بندوباری و فساد در جامعه اسلامی.

برخی از این عقاید که غربیان نسبت به اسلام پیدا میکنند ناشی از رسانه‌های گروهی غرب است. گزارش‌گران که خبرهای جهان اسلام را پوشش میدهند اغلب اطلاعات اندکی درباره این جهان دارند. رسانه‌ها بنابراین تصویری تحریف شده از اسلام که با فرهنگ غربی سازگار باشد ارائه میدهند.

رسانه‌های غربی همچنین این ایده را که مسلمانان در حال برگشت به اسلام هستند را مطرح میکنند. این امر در بیشتر موارد صحیح نیست زیرا اصلاً مسلمانان هیچ‌گاه دین خود را ترک نکرده‌اند که بخواهند برگردند.

از عبارتهایی که برخی از رسانه‌ها هنگامی که درباره بنیادگرایی صحبت میکنند وجود دارد این است که در آنها بیان میکنند که اکثر مسلمانان افراط‌گرا نیز هستند. این نشان میدهد که این رسانه‌ها تا چه حد ناآگاه هستند زیرا اسلام هرگونه افراط‌گرایی را محکوم میکند.^۱

((إِيَّاكُمْ وَالْغُلُوَّ فِي الدِّينِ فَإِنَّمَا هَلِكُ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ بِالْغُلُوِّ فِي الدِّينِ))^۲

از افراط در کار دین بپرهیزید که پیشینیان شما از افراط در کار دین هلاک شدند.

رسانه‌ها هر موقع میخواهند افراط‌گرایان مسلمان را نشان دهند آنها را در حالت نماز و دعا نشان میدهند.

عقیده به این که خشونت و جنگ در دین اسلام وجود دارد نیز ناشی از تصویری است که رسانه‌ها ساخته‌اند. ارتباط دادن اسلام و خشونت سوءتفاهمی است که جامعه غربی به

طور عموم درباره اسلام پیدا کرده است.

رسانه‌های غربی اغلب اسلام را با نام "اسلام نظامی" و یا "اسلام بنیادگرا" مطرح میکنند که غرب را تهدید میکند.

با توجه به نگاه رسانه‌های غربی و گرایش دولت‌های غربی، غرب جایی است که اسلام نامش بار معنایی منفی دارد. رسانه‌های غربی به این تصویر منفی بسیار دامن زده‌اند.

تصویر مسلمانان در سینمای هالیوود

امروزه قدرت پیام‌رسانی از اساسی‌ترین عوامل اقتدار اجتماعی محسوب می‌گردد و در اختیار داشتن رسانه و تعیین سیاست و استراتژی آن از جمله اقداماتی است که ارباب سیاست، اقتصاد و فرهنگ را در رقابت با هم به تلاش در تصاحب مالکیت آنان واداشته است.

غرب برای اعمال قدرت و کسب مطامع بیشتر، از تصویر بهترین استفاده را می‌کند. جهان امروز، جهان تصویر است و عمده‌ترین مصداق این تصویر، سینماست.

تصویر ارائه شده از مسلمانان در سینمای هالیوود مشخصاً به سه دوره تاریخی تقسیم می‌گردد:

- از ابتدای تأسیس هالیوود تا شکل‌گیری دولت صهیونیستی.

- از مان‌شکل‌گیری دولت صهیونیستی تا ظهور انقلاب اسلامی

- از ظهور انقلاب اسلامی به بعد به ویژه پس از یازدهم سپتامبر.

در دوره نخست سینمای هالیوود، مسلمانان را عمدتاً به صورت انسان‌های غیرمتمدن، بدوی و احمق معرفی می‌کند. در دوره دوم علاوه بر تصویر نخست، مسلمانان را عمدتاً به صورت انسان‌های غارتگر و وحشی نشان می‌دهد که یا پول‌دارانی احمقند و یا قدرت‌مندانی بی‌رحم. در دوره سوم علاوه بر تصاویر قبلی شخصیت مسلمانان را عمدتاً به صورت خشک مقدسان افراطی، متنفر از یهود و مسیحیت و بالاخره تروریست نشان می‌دهد. زنان عرب نیز عمدتاً به

صورت رقاصه، جادوگر، فاحشه و جنسی زبون و ذلیل معرفی شده اند.

هالیوود اعتقاد دینی جدیدی را القا می کند که نسبت به اعتقادات کلاسیک مذهبی، کاملاً فردی است و به جمع و جامعه مربوط نمی شود.^۳

مهدویت در رسانه‌های غربی

آینده‌نگری در غرب، ریشه در روش علم تجربی، نگرش‌های سیاسی و اندیشه‌های مذهبی دارد. آمریکا با نشان دادن آینده تاریک و خونین بشر در فیلم‌های خود، سعی دارد خود را منجی آینده بشریت معرفی کند. مساله مهدویت برای غرب پس از انقلاب اسلامی ایران مطرح شد.

مجموعه فیلم‌هایی که در دو دهه‌ی اخیر، ساخته شده، اهداف غرب را به خوبی نشان می‌دهد؛ برای مثال، آمریکایی‌ها فیلمی به نام "روز استقلال" ساخته‌اند که جلوه‌های ویژه بسیاری دارد و به شدت بر روی آن تبلیغ شد.

بحث آینده‌نگری در غرب خیلی جدی‌تر از فضای ماست. هرچند این موضوع در فرهنگ تشیع ناب در همه ابعاد سیاسی و اجتماعی و فرهنگی مطرح است، ولی در ذهن عامه تنها در بعد مذهبی مطرح است. در غرب این موضوع در تمام ابعاد فوق‌العاده جدی است.

یکی دیگر از اسباب آینده‌نگری در بین اندیشمندان غربی، مساله مذهب است. در اکثر تمدن‌ها اعتقاد بر این بوده است که در پایان هر هزاره یک سری تحولاتی رخ می‌دهد. در سال ۲۰۰۰، حدود ۶۱ فرقه منتظر ظهور عیسی مسیح بودند و یهودی‌ها آمده بودند در دروازه شرقی بیت‌المقدس دوربین گذاشته بودند که حضرت مسیح اگر نزول اجلال کرد، فیلمش را بگیرند.

تنها تمدنی که منجی و موعودش یک موجود زنده عینی است، شیعه است. تمدن‌های دیگر، منجی‌شان را قاب کرده‌اند، زده‌اند به سینه آسمان. یعنی موعود آنان یک موجود ذهنی است و در زندگی تجلی ندارد، برخلاف موعود منجی شیعه که کاملاً عینی است.

امام باقر(ع) فرمود: ((حجت خداوند بر مردم تمام نیست تا آنگاه که امام زنده‌ای در میان آنها باشد و مردم آن امام را بشناسند))^۴

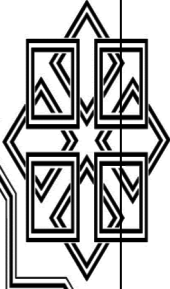
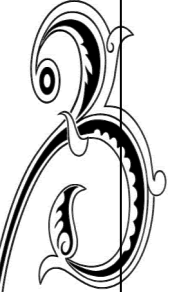
نقش حضور امام زمان (عج) در پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز جدی است، یعنی حضور امام زمان (عج) برای ما در بطن سیاست و فقه ما یک حضور زنده و عینی است.



نتیجه

اسلام بزرگ‌ترین خطر برای استکبار جهانی است. دشمن از رسانه به عنوان یک ابزار برای برطرف کردن این خطر استفاده می‌کند و توسط آن سعی دارد باورهای مردم مسلمان را تضعیف کند، فرهنگ آنان را تغییر دهد و فساد و بی‌بند و باری را در جوامع اسلامی گسترش دهد؛ همچنین به دنبال نشان دادن چهره سیاه از اسلام در غرب است تا از نفوذ و وسعت آن جلوگیری کند.

در مقابل مسلمانان نیز برای مقابله با دسیسه‌ی این شیطان بزرگ، باید بیدار و آگاه باشند، یکدیگر را آگاه سازند، به



پی نوشت

^۱- اینترنت، باسل آکل (استاد دانشگاه میشیگان)

^۲- نهج الفصاحة مجموعة كلمات قصار حضرت رسول(ص)، ابوالقاسم یابنده، ص ۳۵۴

^۳- اینترنت، خلاصه مقالات همایش دین و رسانه، سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

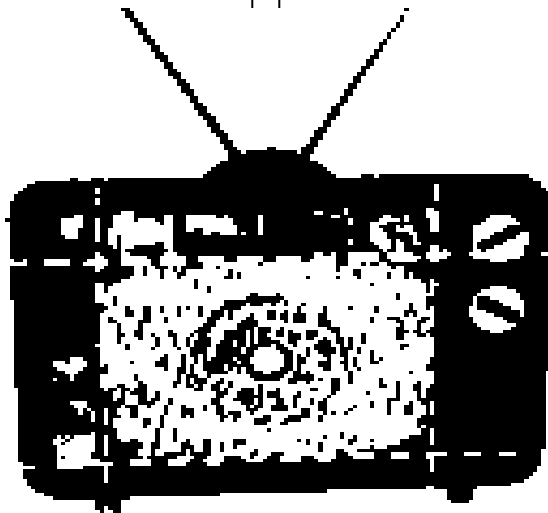
^۴- اخبار و آثار حضرت امام رضا علیه السلام، عزیزالله عطاردی، ص ۴۰۴

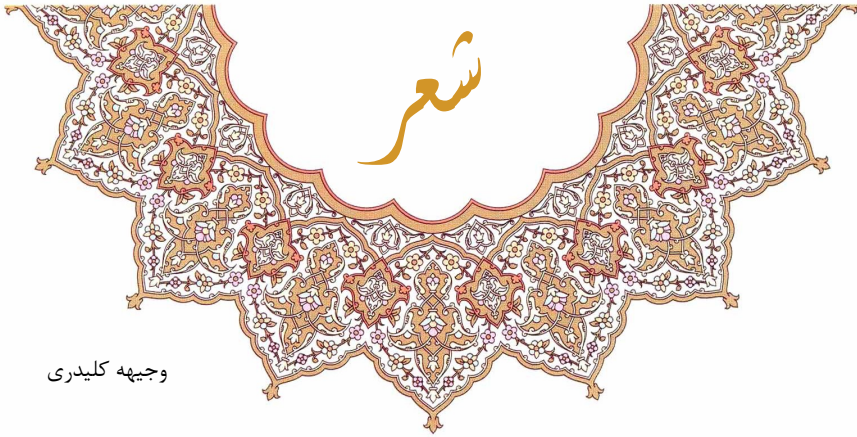
^۵- نصایح، احمد جنتی، ص ۸۰

تقویت باورهای دینی بپردازند تا از فساد جلوگیری نمایند، چرا که ایمان قوی را فساد، آسیبی نمی‌رساند.

پیامبر(ص): ((من بر اتمم از شر مؤمن و مشرک بیم ندارم، زیرا مؤمن را ایمان مانع فساد است؛ و مشرک را همان شرک نابود می‌کند))^۵

رسانه ملی نیز باید تلاش کند و در مقابل، به ساخت برنامه‌های ارزشی و دینی، از قبیل جلسات پرسش و پاسخ به شبهات، فیلم، سریال و... بپردازد، به مردم اطلاع رسانی نماید، برنامه‌های رسانه‌های غربی را نقد کند و به افشای اهداف پشت پرده ی آنان بپردازد.





وجیهه کلیدی

تقدیم به بانوی عالم حضرت زهرا سلام الله علیها

آری هزارپنجره تعمیر چشم تست

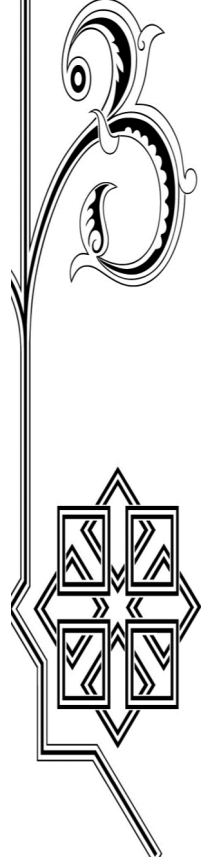
کون و مکان حکایت تفسیر چشم تست

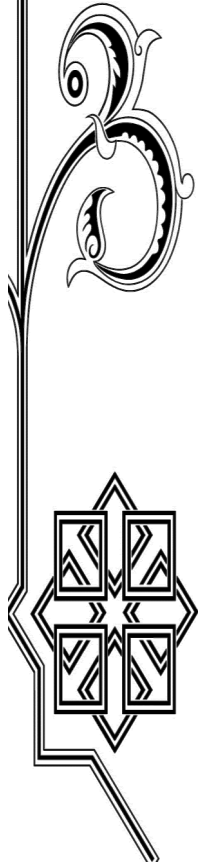
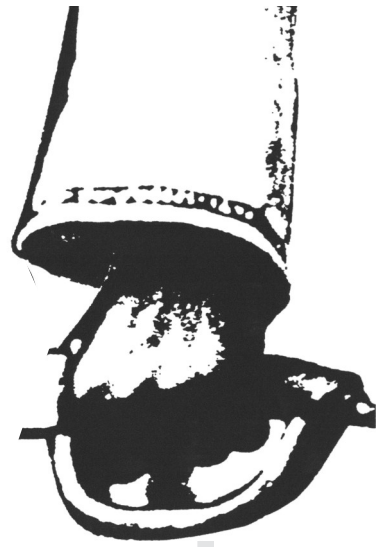
آری بهار شاد طبیعت چو آینه

میراث جاودانه تکثیر چشم تست

مادر بهشت را به بهای تومی دهند

وقتی فلک بهانه ی تقدیر چشم تست





شهد شیرین آزادی

خرمشهر، معبر ملکوتی مردان با صفاست؛ جوانانی که در آرزوی رسیدن به کربلا، آرام و قرار نداشتند. خرمشهر، جایگاه شاهدان گم نامی است که گواهشان نام حسین بود و حضور همیشگی ایشان تجلی عاشورایی دیگر. خرمشهر، سرفرازترین خاک این دیار مردپرور است. خرمشهر، شهر شکوه و شکوفایی است؛ شهری که سرگذشت اسارت و رهایی اش را سخن سرایان سرودند و آزاداندیشان، از قیام سرخش قصه‌ها آموختند. خرمشهر، جایگاه شیرمردانی است که جنگاور میدان رزم بودند و لبیک گوی ندای شهادت. اینک ای شهر آوازهای غریب! برای همیشه پایدار بمان. در سالروز فتح خرمشهر، شهد شیرین و دلگشای آزادی، گوارای وجود شیرمردان و غیور زنان خرمشهری باد؛ آنان که در خرمشهر مقاومت کردند تا ایران و اسلام برای همیشه سرفراز بماند.

خرمشهر، سمبل مقاومت

خرمشهر با تاریخی خون بار و حماسه ای جاوید، نماد رشادت‌ها و دلاوری‌های رزمندگان و مردمی است که خاطرات کم نظیر آنان، برای همیشه به عنوان برگ زرینی در قلب تاریخ ثبت شده است. این شهر که به خاطر شهادت تعداد زیادی از عزیزترین فرزندان این کشور، به "خونین شهر" لقب گرفته است، مظهر مقاومتی است که آیندگان همواره از آن به نیکی یاد خواهند کرد. فتح خرمشهر، در تاریخ نبرد ایران و عراق، از ویژگی خاصی برخوردار است. خبر آزادی خرمشهر، به قدری شگفت آور بود که در سرتاسر ایران اسلامی، اوضاع را دگرگون کرد. گویی زلزله شدیدی رخ داده که متجاوزان بعثی در اثر آن به هلاکت رسیده‌اند و به دنبالش، آرامش و شور و شادی را برای ملت شهیدپرور و مقاوم ایران به ارمغان آورده است. حال این ماییم و این یادگاری که باید بر لوح تاریخ ماندگارش سازیم.



جایگاه شرور در نظام آفرینش

سیده زهرا گلمکانی

مستدل بیان چند نکته ضروری است:

الف) نسبت بین خیر و وجود و شر با عدم:

نسبت بین خیر و شر، عدم و ملکه است. بنابراین، خیر و شر، همسان وجود و عدم که نقیض یکدیگرند نقیض یکدیگر نیستند.

بین خیر و نفع و شر و ضرر تفاوت است. خیر و شر به لحاظ هدف و پایان کار مطرح می شوند و نفع و ضرر، به لحاظ متن راه و نحوه

رسیدن به هدف مورد توجه اند. با تحلیل دقیق، نفع و ضرر، مانند خیر و شر به وجود و عدم بر می گردند، ولی به لحاظ راه نه به

لحاظ هدف، مانند هدایت و ضلالت که هدایت امر وجودی و

ضلالت امر عدمی است و هر دو نسبت به راه سنجیده می شوند، و خلاف سعادت و شقاوت که معمولاً به لحاظ هدف و پایان راه مطرح اند

ب) خیر مطلق و نسبی و شر نسبی:

خیر و شر یا ذاتی و نفسی است یا نسبی و قیاسی، یعنی وجود بعضی از چیزها بدون ملاحظه غیر با صرف نظر از سنجش با

چیز دیگر، یا خیر است یا شر. مانند علم و جهل، اما بعضی چیزها با سنجش با غیر خیر یا شر خواهند بود. به نحوی که اگر مقایسه

بحث شرور و گناهان از آن جهت دارای اهمیت خاصی است که عدم فهم صحیح آن با اصول اعتقادی هر موحدی مانند توحید افعالی عدل الهی و حکمت الهی و نظام احسن ناسازگار است.

از سوی دیگر بسیاری از عقاید شرک آلود و افکار انحرافی مانند اعتقاد به یزدان و اهریمن پندار تفویض و... برخاسته از تحلیل ناصحیح مسئله شرور است.

هدف از این نگاشته بر آن بوده تا تعریف متقنی از خیر و شر ارائه داده و به تبیین جایگاه شرور در نظام آفرینش بپردازد.

توحید در خالقیت

توحید در خالقیت بدین معناست که هیچ چیزی در عالم امکان وجود پیدا نمی کند، جز اینکه فعل خدای سبحان باشد و

دیگران در هیچ مرحله ای اصلاً نقش آفریدن ندارند، نه خود به تنهایی نه به شرکت داشتن و نه با پشتیبانی آنان در خلقت خدا.

توحید در خالقیت و مسئله شرور

قبل از پرداختن به تحلیل مبسوط این بحث و ارائه پاسخ های

عدمی بودن شر

تیبیین دیگری که از شرور ارائه شده این است که مفهوم شرم‌نزع از عدم تحقق و زوال فعلیت است؛ یعنی اگر چیزی اصلاً تحقق و زوال نیابد، وجود نیافتن آن وفقدان این کمال منشاء انتزاع مفهوم شر خواهد بود.

کسانی که شر را امر عدمی دانسته‌اند دیگر تعیین علت برای آن را لازم نمی‌دانند. با توجه به این نظر فقر، بیماری و مرگ در حقیقت عدم ثروت، عدم سلامت و عدم حیات است. بر همین اساس گفته‌اند شر معدود بالذات و موجود بالعرض است و نیز شر معلول بالعرض است نه بالذات.^۴

نمی‌توان گفت اگر فاعل شر خدا باشد، با حکمت به عدل او و نظام احسن ناسازگار است و اگر غیر خدا باشد با توحید افعالی منافات دارد زیرا که بر مبنای این نظریه ثابت شد که شر ذاتاً معدوم است.^۵ از آن جا که شر همان عدم ذات و یا عدم یکی از کمالات آن است، لاجرم باید ذاتی که عدم به آن می‌رسد، قابلیت آن را داشته باشد؛ مانند جوهرهای مادی که امکان زوال صورت نوعیه آنها وجود دارد. و از آنجا که صورت نوعیه تمام فعلیت یک نوع را تشکیل می‌دهد، زوال آن نوع مادی باشد.

با توجه به مطلب یاد شده، روشن می‌شود که هیچ شری در عالم مجرد تام تحقق ندارد، زیرا عدم به ذات آنها که موجود به ایجاد مبداء هست راهی ندارد. بنابراین، میدان بروز و ظهور شر همان عالم ماده است.^۶

اقسام شرور تکوینی

شرور به طور کلی بر دو نوع است: دسته‌ای امور عدمی‌اند، مانند کوری، مرگ و نقص عضو. این دسته از شرور بر اثر نرسیدن فاعل‌های طبیعی به غایات خود پدید می‌آید. قسم دیگر امور وجودی می‌باشند، مانند حیوانات درنده که وجودشان برای انسان شر است. این دسته از شرور خودشان غایت برای طبیعت به شمار می‌روند.^۷

در صورت نخست که پدیده ناگوار امر عدمی است، اصلاً وجود

در کار نباشند آن چیز شر نیست بلکه خیر است، مانند نیش مار و عقرب و حیوانات درنده که در مقایسه با انسان و ضرری که به او یا حیوان دیگر وارد سازند، شر‌اند و اگر بدون این مقایسه ملاحظه شوند وجودشان خیر است.

این تقسیم تنها نسبت به خیر صحیح است اما شر فقط نسبی و قیاسی است زیرا با تحلیل دقیق معلوم می‌شود هیچ موجودی شر ذاتی و مطلق نیست آری، بعضی از عدم‌ها نسبت به برخی از وجودها شرند.

نسبی بودن شر

شر امری نسبی و مقایسه‌ای است. در جهان هیچ پدیده‌ای را نمی‌توان یافت که شر با لذات و فاقد همه خیرات باشد. شر بودن برخی موجودات مانند دوزخ و شیطان، امری نسبی و اضافی است. یعنی شر آنها ناشی از سوء اختیار تبه‌کارانی است که با پیروی از شیطان، خود را گرفتار دوزخ می‌کنند، اما مؤمنان با گزینش راه انبیاء، تنها شیطان و دوزخ برای آنان شر نیست، که خیر نیز محسوب می‌شود.

حیوانات درنده و مار و عقرب نیز هر یک در اصل وجود خیرند و نسبت به انسان یا سایر حیوانات شر محسوب می‌شوند، یعنی شر بودن آنها نسبی است.

از دیگر سو حوادث ناگواری مانند سیل و زلزله از جهتی برای آزمایش و ابتلا گنه‌کاران است اما با نگاهی دیگر این حوادث که بر اثر علل و اسباب طبیعی پیش می‌آید، تنها برای کسانی شر است که از تعالیم مدبرانه انبیا بی‌بهره‌اند، و گرنه جامعه متدیه و متمدن به معنای واقعی، توان آن را دارد که سیل ویرانگر را به نیرویی انرژی‌زا تبدیل کند، یا در مقابله با زلزله، خانه‌هایی بسازد که ویران نشود.^۸

بر این اساس، اگر همه یا دسته‌ای از شرور امور وجودی هم باشند، می‌توان نسبی بودن آنها را توجیهی برای چرایی تحققشان دانست.



موجودی در کار نیست تا منسوب به خدا و غیر خدا باشد، زیرا عدم وفقدان، علت و فاعل نمی خواهد تا از فاعل آن بحث شود. و می توان جويا شد که چرا این فیض خاص از جانب خدا قطع یا امساک شده است؟ و ممکن است به این نتیجه رسید که اعمال بد انسان علت زوال لیاقت دریافت آن بوده است.

در صورت دوم، حوادث دارای دو جهت وجود و شر است، از جهت وجود منسوب به خدا و از جهت شر منسوب به انسان است، زیرا همانگونه که در مقدمات بحث گذشت، وجود مساوق با خیر است و حوادث ناگوار صرف نظر از عناوین عارض بر آنها که برای جامعه بشری مصیبت است، ممکن الوجودند، و هر ممکن الوجودی با واسطه یا بدون واسطه، به واجب الوجود که غنی بالذات است، منتهی می شود.

پس اصل هستی این قسم از شرور، مانند حسنات از جانب خداست، و هر چه از جانب خداست خیر و نعمت است ولیکن انسان به دلیل عدم استفاده بهینه از آن موجب میشد تبدیل به شر گردد.

به تعبیر دیگر، سنت دائمی خدای سبحان بر اعطای نعمت و دوام فیض است ولیکن انسان به سوء اختیار خود نعمت را تبدیل به نعمت می کند.

جهان تهی از شر

عدمی و نسبی دانستن شر نمیتواند مشکل شرور را در بحث حاضر به کلی برطرف سازد، زیرا همچنان این سؤالها باقیست: چرا جای این اعدام را وجود نگرفته است؟ چرا خداوند جهان را به گونه ای نیافریده است که خیر رسانی به یک موجود با ایجاد شر برای موجودات دیگر عجین نشده است؟

پاسخ سؤال این است که هر موجودی به حسب احتمال ابتدایی پنج قسم است: آن چه خیر محض است، آن چه شر محض است، آن چه خیرش بر شرش غلبه دارد، شر محض و آن چه خیر و شرش مساوی است.

تنها دو قسم امکان تحقق دارد: یکی خیر محض و دیگری موجودی

که خیر آن غالب باشد. اگر موجودی مجرد محض باشد، به دلیل نزهت او از ماده و صیانت از حرکت، خیر محض است. چون مجردات، هم از ناملايمات درونی مانند مرگ و بیماری مصون اند و هم از تزاخم برخورد بیرونی با موجودات دیگر در امان هستند. اما اگر موجودی مادی باشد، تزاخم و تصادم و در نتیجه شر قلیل برای آن ضروری و حتمی است.

پی نوشت:

^۱ عبدالله جوادی آملی، توحید در قرآن، ص ۴۰۳

^۲ مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱، ص ۱۵۸

^۳ عبدالله جوادی آملی، همان، ص ۴۱۳.

^۴ همان، ص ۴۱۴

^۵ حسن یوسفیان، کلام جدید، ص ۱۴۵

^۶ محمد حسین طباطبایی، علی شیروانی، نهاییه الحکمه، ج ۳، صص ۳۸۷ تا ۳۹۱

^۷ همان، ج ۲، ص ۲۰۴.

دستورات پزشکی

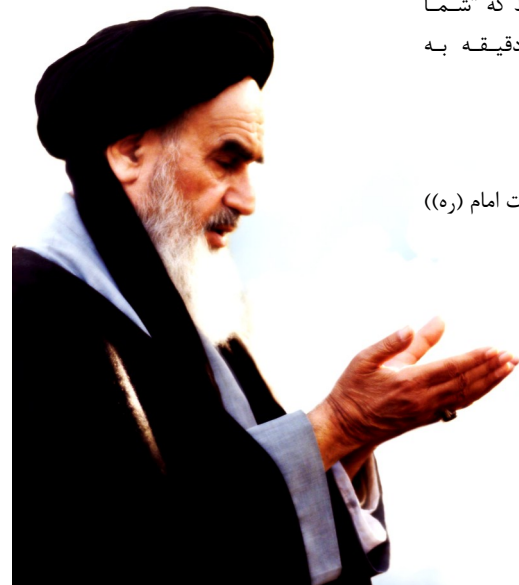
با وجودی که پزشکان معالج ایشان اکثراً حدود ۵۰ سال جوان تر از حضرت امام (س) بودند، معیناً ایشان همواره با احترام با پزشکان برخورد نموده و دستورات پزشکی را راحت قبول می کردند. آن روزی که برای تجویز عمل جراحی (چند روز قبل از ارتحال) خدمت ایشان رسیدیم، آقای دکتر فاضل با احتیاط بسیار به ایشان گفت بایستی عمل جراحی انجام شود، همه پزشکان حاضر در جلسه فکر می کردند که ایشان امتناع نمایند و یا لاقلاً نظرشان را بعد از مدتی تفکر بیان بفرمایند، در حالیکه ایشان بلافاصله فرمودند، هر چه صلاح می دانید انجام دهید. حتی لحظه ای مکث فرمودند. در انجام دستورات پزشکی بسیار منظم و دقیق بودند. مثلاً یکبار متخصص فیزیوتراپی از ایشان عیادت کرد و یک نوع نرمش خاصی را برای زانوی ایشان تجویز نمود که با روزی ۵ حرکت شروع می شد و باید هر روز ۲ حرکت به تعداد نرمش اضافه گردد. بعد از حدود یک ماه آن شخص فیزیوتراپ به حضور حضرت امام (س) رسید و از حال ایشان سؤال کرد. در جواب فرمودند نرمش زانوی من به حدود ۷۰ حرکت در روز رسیده است. شخص فیزیوتراپ دقایقی بعد برای من تعریف کرد که من از این حرف ایشان بسیار شرمند شدم و نیز تعجب کردم چون گمان می کردم ایشان بعد از چند روز که زانویشان بهتر شود، نرمش را قطع می کنند. در حالیکه در نهایت نظم و دقت روزی ۲ عدد به تمرین مذکور اضافه کرده بودند.

دکتر محمدحسین نعمتی

احترام همسر

برنامه نظم و ساعات آقا واقعا عجیب بود. حتی برنامه غذا خوردنشان. یک دفعه حاج احمد آقا می گفتند: من گفتم آقا وقت ناهار شده. بگویم ناهار بیاورند؟ آقا نگاهی به ساعتشان کردند و گفتند: نه هنوز وقتش نشده است. مدت کمی گذشت و چند کلمه ای با آقا صحبت کردم، آمدم تا دم در، امام صدا زدند. برگشتم، گفتند می خواهید بگوئید ناهار بیاورند، بیاورند. حالا وقتش است، ببینید، شاید یک دقیقه نشده بود، اما آقا این قدر منظم بودند که برای خود خانواده هم جای تعجب داشت، و می شود نتیجه گرفت که آقا واقعا چقدر در کارشان منظم است اما یادم می آید روزی که حاج خانم (همسر حضرت امام) برای زیارت حضرت عبدالعظیم رفته بودند و بنده هم به عنوان راننده حضور داشتم، در موقع برگشت که نزدیکهای ظهر بود، خانم گفت زود برویم، من به آقا نگفتم که ناهار بخورند، آقا صبر می کنند تا من بروم. زودتر برویم که آقا برای خوردن ناهار معطل نشوند. خلاصه راه بندان بود و ترافیک. تا ما رسیدیم ۲۵ دقیقه ای - نیمساعتی از وقت ناهار گذشته بود. خانم گفتند: مثل اینکه آقا ناهار خورده باشند. ولی امام ناهار نخورده بودند و من پرسیدم، دیدم تازه سفره را انداخته اند و آن زمانی بود که یکی از اعضای بیت دیده بود که خانم می آیند. خانم به آقا گفته بودند "شما ناهار می خوردید، ما می آمدیم". آقا در جواب با ملاطفت و احترام گفته بودند "شما نفرمودید که من نمی آیم." درست با همین لفظ که "شما نفرمودید که من نمی آیم وگرنه ما ناهار می خوردیم. ما منتظر شما بودیم." خلاصه آن آقایی که برای یک یا دو دقیقه به حاج سیداحمد آقا می گوید هنوز وقت ناهار نشده. تا نیم ساعت صبر می کنند تا حاج خانم بیاید.

محمد هاشمی (محافظ بیت امام (ره))



شاید تا قبل از انقلاب اسلامی، تصور نمودن دین در سینما نه تنها امکان پذیر نبود بلکه بسیاری حتی در مقام تصور هم جمع مقوله دین با سینما را امکان پذیر نمی دانستند اما پس از انقلاب اسلامی و خروج مظاهر مفسده برانگیز از سینما باعث شد تا افق هایی برای حضور دین در عرصه سینما پدیدار شود و مقوله ای به نام **سینمای دینی** در سینمای ایران قابل تعریف باشد.

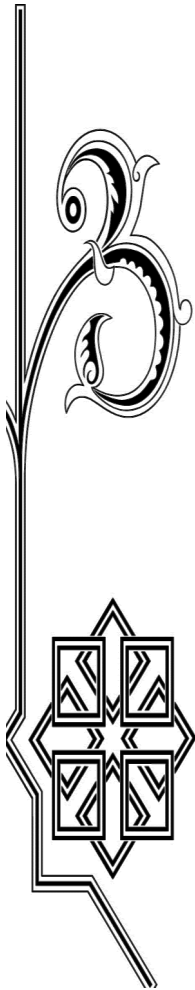
بنا به اعتقاد عده ای پیوند میان سینما و دین کاری سخت و دشوار است. چرا که نمایش مکنونات قلب انسان که ناشی از رابطه ای کاملاً فطری و لاجرم با خدای خویش است بر نوار سلولوئید فیلم به مهارت و هنری نیاز دارد تا هیچ خلل و ضایعه ای بر اصل موضوع وارد نشود و از این رو چنین امری بعید به نظر می رسد.

پیشینه سینما به هنرهای دراماتیک و نمایشی مربوط می شود و هنرهای نمایشی از قدیمی ترین رشته های تاریخ و ادبیات بشمار می آید و به طور کلی ریشه در ذات انسانها از تقابل اولیه آدم و شیطان و هابیل و قابیل دارد. به دیگر سخن، خمیرمایه وجود انسان با تضادهای دراماتیک درونی و بیرونی شکل گرفته و می گیرد و گوهر وجود آدمی به چگونگی برخورد، و در نهایت به نتیجه این برخورد بستگی تام دارد. هبوط آدم، نخستین ثمره این برخورد دراماتیک است.

دین و سی نما

ملیحه حسینی





تعریف دین و سینما

در تعریف غرب از دین، دین در حد یک نهاد، تنزل پیدا می‌کند و در کنار سایر نهادها مثل نهاد اجتماع، سیاست، و... قرار می‌گیرد که گاه حتی از سایر نهادها نیز محدود تر است. قطعاً با این نگاه محدود به دین شاید ارایه تعریف از **سینمای دینی** بسیار دشوار باشد.

اما در نگاه اسلام، دین نه تنها در حد یک نهاد تنزل پیدا نمی‌کند، بلکه سایر نهادها مشروعیت خود را از دین می‌گیرند، و قلمرو دین تمام شئون زندگی انسان را چه دنیایی و چه اخروی شامل می‌شود.

اصولاً فیلم دینی، فیلمی است که علاوه بر موضوع دینی باید موضع دینی هم داشته باشد و چنانچه فیلمی موضع دینی نداشته باشد نمی‌تواند جایگاهی را به عنوان فیلم دینی به خود اختصاص دهد. **سینمای دینی** اگرچه ممکن است سینمایی باشد که دارای موضوع دینی باشد ولی این مقوله شرط کافی برای رسیدن به **سینمای دینی** نبوده و آن چه شرط لازم و کافی برای داشتن یک **سینمای دینی** محسوب می‌شود، داشتن موضع دینی در فیلم های سینمایی است.

مؤلفه های سینمای دینی:

ساختار، از ریشه ساختن می‌آید و به معنای در کنار هم قرار دادن اجزایی برای تشکیل یک واحد مرکب، اما ساختار در یک معنای دیگر رابطه جزء با کل هم معنا می‌دهد. یعنی اجزای یک فیلم مثل داستان، موسیقی صحنه ها و... در رابطه با کل (فیلم) در چه موقعیتی باید باشند. زیبایی شناسی، اصطلاحی کلی است که مفاهیم متعددی دارد.

فیلمنامه: یکی از عناصر و اجزای کلیدی در سینمای دینی داشتن فیلمنامه قوی است. خود فیلمنامه نیز عناصری دارد که هر کدام می‌تواند نوعی از سینمای دینی باشد؛

شخصیت: با قراردادن یک شخص مذهبی و یک درام پیرامونش و یا شخصیت ها و اسطوره های دینی مثل پیامبران، ائمه اطهار (ع) و شخصیت های برجسته دینی. البته باید این نکته را ذکر کرد که وارد شدن به این محدوده به دلیل آثار ضعیفی که در آن تولید شده، سخت است. در فیلم های اوایل انقلاب و یا حتی بسیاری از کارهای الان، همیشه یک شخصیت با نفوذ (در صورت امکان روحانی و در غیر این صورت ریش سفید مذهبی) نقش رهایی بخش را ایفا می‌کنند. و در یک صحنه با نشان دادن قهرمان در حال نماز خواندن، فیلم را با رستگاری تحمیلی تمام می‌کنند. و بسیاری به غلط، این را سینمای دینی می‌دانند. با این حال کارهای خوبی در این زمینه انجام شده مثل "زیر نور ماه" میر کریمی و یا "روز واقعه" شهرام اسدی.

داستان: با طرح موضوعات دینی و اعتقادی.

مضامین: باید گفت اثرگذارترین نوع سینمای دینی همین نوع است. وقتی که مضمون و پیام، دینی است بدون استفاده از پرداخت مستقیم و شعارگرایی. باید توجه داشت معنا و مضمون فیلم با اینکه داستان فیلم درباره چیست فرق می‌کند. همه ما نهایتاً با این حقیقت رو به رو می‌شویم که داستان تنها پوسته‌ای است روی پیامی که درون آن نهفته است. البته از فیلم‌های قدیمی راحت‌تر می‌توان رمزگشایی کرد

نشانه‌شناسی: پایه ریزی علم نشانه‌شناسی در سینما باعث شده است ایده‌ها و مضامینی که همواره به صورت کلی و روایت‌های کلان در آثار سینمای دینی مطرح بودند به صورت نشانه (هرچند متفاوت و متکثر) در هر سکانس و حتی پلان به کار بیایند. اینجا دیگر انبوهی از نشانه‌های مذهبی (حتی شمایل مذهبی) اثر را آن‌هم در فصل‌های دینی نشان می‌دهد.

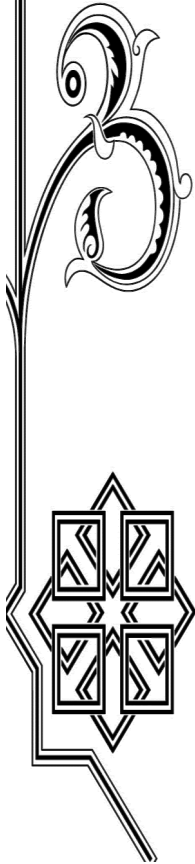
اصالت هنرمند: این بحث از مباحث پیچیده‌ای است که به طور قطع می‌توان در باره آن بسیار تفحص کرد. اما تفاوتی که در اینجا مشهود است نوع مقوله‌ای است که بررسی و ارزیابی می‌شود و آن بحث از دین است. زیرا اینجا دیگر نوعی اعتقاد و برداشت سطحی مطرح نیست، به همین دلیل یکی از اصلی‌ترین مباحث یعنی خالق اثر پررنگی بیشتری برای طرح و بررسی به وجود می‌آورد.

مبانی کلامی سینمای دینی

تأکید بر دو واژه قرآن و روایت اولاً به این جهت است که هر دو منشأ و حیانی دارند و ثانیاً اولویت ما در کشف مبانی نظری سینمای دینی هستند. به عبارت ساده‌تر بنا شده است که پرسش‌های اساسی ما در مسائل اساسی هنر مثل زیبایی، سبک، ساختار و غیره ابتدا

به این دو منبع عرضه شود و اگر پاسخی نیافت، آن‌گاه به معارف بشری متوسل شویم.





نتیجه‌گیری

- ۱- سه دهه‌ای هست که بحث سینمای دینی در سینمای ما مطرح می‌شود، ولی معلوم می‌شود که نتیجه واضحی را هنوز از این مفهوم نگرفته ایم، و اما اگرهای بسیار زیادی هنوز وجود دارد. پس باید ابتدا سینمای دینی خوب شناخته شود.
- ۲- باید سینمای دینی را از سینمای تاریخی و اخلاقی جدا کرد، و آنها را با هم مخلوط نکرد.
- ۳- من با حرف آوینی مخالفم که سینما زادگاه غربی دارد، و دین زادگاهش شرق است، و لذا با هم جمع نمی‌شوند.
- ۴- رسانه یک ابزار نیست، بلکه شما باید عشق به رسانه و مخاطب داشته باشید.
- ۵- درخواست از طلاب جهت ارسال مقاله به ایمیل خودش جهت استفاده در نشریه و یا سایت.
- ۶- سالهاست ما در عرصه تبلیغ آشنا بودن به زبان قوم و مقتضیات زمان و مکان را متذکر می‌شویم. و امروز که در عصر رسانه هستیم آشنایی با رسانه پرداختن به زبان قوم است.
- ۷- فضای رسانه باید دغدغه اصلی روحانیت باشد در حالی که اصلاً اینگونه نیست و این یک بحث فرعی به حساب می‌آید.

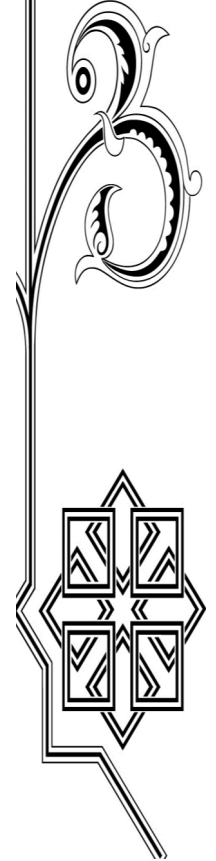
منابع

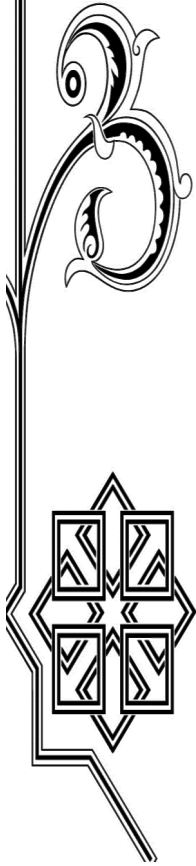
قرآن کریم

۱. یاد نامه زنده یاد علی صفایی حائری (عین - صاد) صص ۳۹-۴۰
۲. سینمای دینی از تئوری تا عمل - مجموعه مقالات برگزیده و چکیده پژوهش‌های جشنواره سراسری فیلم دینی رویش. به کوشش: علی صداقت کریمی. چاپ و تیراژ: ۱۳۸۷. ناشر: حوزه هنری استان خراسان رضوی
۳. گروه سینما و تلویزیون سایت تبیان زنجان
۴. دین و سینما، محمد مددپور، پژوهشکده هنر اسلامی، تهران ۱۳۸۷.
۵. دین و سینما در قلمرو تاریخ، علی اصغر سعادت، تهران، ۱۳۸۵.

برگی از

روزی امیرالمؤمنین علیه السلام به حجره حضرت فاطمه علیهما السلام در آمد. فاطمه علیهما السلام را دید که حسن و حسین علیه السلام را می خوابانید و ایشان از گرسنگی در خواب نمی شدند. گفت: ای علی! برو طلب طعامی می کن که این کودکان را از گرسنگی در خواب نمی شوند. امیرالمؤمنین علیه السلام به نزدیک عبدالرحمن عوف شد و از وی دیناری زر قرض خواست. عبدالرحمن در خانه شد و کیسه ای زر بیرون آورد و گفت: این صد دینار است، بستان و هرگز عوض مده. امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: از تو قبول نمی کنم که من از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که: *الید العلیا خیر من الید السفلی*.^(۱) دست بالا، بهتر از دست زیرین باشد؛ اما یک دینار زر به من قرض به من بده. و این حدیث بشنو که مهتر عالم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: *الصدقه عشره اضعاف و القرض ثمانیه عشر ضعفا*.^(۲) صدقه یکی را ده عوض باشد و قرض هر یکی را هجده.





عبدالرحمن یک دینار زر به قرض به امیرالمؤمنین علیه السلام داد. امیرالمؤمنین علیه السلام بگذشت . مقدار را دید در کنار چاه نشسته . گفت : ای مقدار! در این ساعت چرا اینجا نشسته ای ؟ گفت : از برای ضرورتی . گفت : آن چیست ؟ گفت : چهار روز است که هیچ طعام نیافته ام . گفت : بستان این دینار را که تو اولی تری - که تو چهار روز است که طعام نیافته ای و ما سه روز. پس دینار زر به مقدار داد و وقت نماز شام روی به مسجد رسول نهاد و با رسول صلی الله علیه و آله و سلم نماز بگزارد و خواجه صلی الله علیه و آله و سلم گفت : ای علی ! امشب به خانه شما می آیم ، و مهمان شما می باشم . امیرالمؤمنین علیه السلام گفت : عزازه و کرامه^(۳) و از پیش برفت و فاطمه علیهما السلام را بشارت داد و خواجه صلی الله علیه و آله و سلم در عقب علی علیه السلام به حجره فاطمه در آمد. فاطمه علیهما السلام در خانه شد و روی بر خاک نهاد و گفت : خداوندا! به حق محمد و آل محمد که بر ما طعامی فرو فرست . چون سر برداشت کاسه ای دید بزرگ پر از طعام ، بویی از وی می دمید خوشتر از بوی مشک . آن را برداشت و پیش مصطفی و مرتضی علیهما السلام نهاد. شاه مردان گفت : انی لک هذا الطعام ؟ از کجاست تو را این طعام ؟ گفت : هو من عند الله ، ان الله یرزق من یشاء بغیر حساب از نزدیک خداست . خدا روزی دهد آن را که خواهد، بی حساب ، مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم گفت : شکر خدای را که مرا فرزندی داد چون مریم ، که هرگاه زکریا علیه السلام نزد وی شدی طعامی یافتی ، گفتی : انی لک هذا؟ وی گفت : هو من عند الله ، ان الله یرزق من یشاء بغیر حساب . پس رسول و علی و فاطمه علیهما السلام از آن طعام می خوردند. سائلی بر در آمد. امیر خواست که وی را طعام دهد. رسول صلی الله علیه و آله و سلم گفت : مده که این ابلیس است ، خیر یافت که ما از طعام بهشت می خوریم ، آمده تا با ما مشارکت کند. پس دیگر روز مصطفی و مرتضی علیهما السلام در مسجد بودند. اعرابی (ای) کیسه ای زر به امیرالمؤمنین علیه السلام ناپیدا شد. رسول صلی الله علیه و آله و سلم گفت : ای علی ! می دانی که آن اعرابی که بود؟ گفت : خدا و رسول عالمترند. گفت : آن جبرئیل بود. در این وقت گنجی از گنجهای زمین برداشت و حق تعالی از برای آن یک دینار زر که به مقدار داده ای تو را بیست و چهار جزو ثواب و خیر بداد و از آن در دنیا معجل گردانید: یکی آن کاسه و یک این کیسه و بیست و دو در آخرت ساخته است ، آنچه هیچ چشم چنان ندیده باشد و هیچ گوش نشنیده و بر خاطر هیچ آدمی نگذشته ؛ امیرالمؤمنین علیه السلام آن زر را وزن کرد، هفتصد دینار بود. گفت : صدق الله حیث قال : مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله کمثل حبه انبثت سبع سنابل فی کل سنبله مائه حبه^(۴)

پی نوشت :

۱- کافی ، ۴/۱۱ .

۲- من لا یحضره الفقیه ، ۲/۶۷ .

۳- بر ما بسیار بزرگی و کرامت است .

۴- (کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، (اموالشان) همانند بذری است که هفت خوشه برویاند،

که در هر خوشه ، یکصد دانه باشد). سوره بقره ، آیه ۲۶۱ .



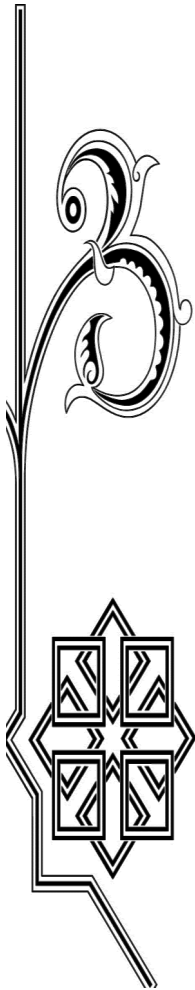
موعود باوری و اعتقاد به منجی آخر الزمان از تمایلات فطری بشر و عده ای است که در ادیان الهی آمده است. اندیشه آینده نگری اختصاص به ملل و قوم خاصی ندارد، بلکه تمام بشریت در جستجو و انتظار فردای بهتر و روشن تر می باشند. پیروان ادیان بزرگ و بیشتر ملت های جهان امروز به ظهور منجی بزرگ در آخر الزمان ایمان دارند، آن کسی که حکومت سراسر عدل و آسایش او تمام گیتی را فرا خواهد گرفت و هرگونه ظلم و ستم از زمین رخت خواهد بست.

”یهودیان به این ظهور ایمان دارند، مسیحیان معتقدند که حضرت عیسی باز می گردد. زرتشتیها در انتظار رجعت بهرام شاه، مسیحیان حبشه در انتظار بازگشت پادشاهان تئودو، هندوان معتقد به بازگشت ”فیشنو“ مجوسیان معتقد به زندگی دوباره ”اوشیدر“ بودائیها در انتظار مجدد ”بودا“ اسپانیها منتظر پادشاهان ”روزدیک“ و مغولها در انتظار بازگشت ”چنگیز خان“ می باشند. مصریان و چینی های پیشین بر این باور بود ه اند^۱. نه تنها ادیان و پیروان آنها به منجی اصلاح گر آخر الزمان باور دارند بلکه دانشمندان و حکیمان بزرگ غربی نیز اعلام کرده اند که عالم منتظر نجات بخشی است که جهان را به دست گرفته و همه انسان ها در حکومت واحده جهانی خود در می آورد از جمله این فیلسوفان می توان برترندراسل، انیشتن، برنادرشاو را نام برد که بشارت به آمدن مصلح جهانی میدهند^۲ در آموزه های وحیانی دین مبین اسلام و در معارف شیعی آینده نگری و تحقق وعده ای مبنی بر ظهور باعنوان ”مهدویت“ مورد اهمیت بسیار است.

تا آنجا که به جهت اهمیت فراوان ظهور، انتظار که مقدمه ی ظهور است از مهم ترین و با فضیلت ترین عبادات شمرده شده است. قال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم: **”افضل العباده انتظار الفرج“**^۳، ”انتظار فرج از برترین عبادات است.“

جامعه آرمانی

عصر ظهور



حاکمیت توحید

توحید به مفهوم ایمان عمیق و استوار به یکتایی خدا، اصلی‌ترین و اساسی‌ترین گوهره ادیان الهی و آموزه‌های پیامبران خداست. زیرا رسیدن به هر مقام معنوی و کمالات انسانی در پرتو مشی توحیدی و توحید‌گرایی آگاهانه و خالصانه میسر است. و لذا فلسفه دعوت انبیاء اولیاء اولین محور آنان دعوت به یکتا پرستی و توحید‌گرایی است. چنانکه در قرآن هم به آن اشاره شده است: **«وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»** «ما در هر امت پیامبرانی را برانگیختیم تا خداوند را به یگانگی و وحدانیت پرستش کنند و از طاغوت و شرک دوری و اجتناب ورزند. فلسفه حکومت جهانی امام زمان (عج) که آغاز عصر نوی در حیات جامعه انسانی می‌باشد، همان فلسفه دعوت انبیاء، ائمه، اولیاء و صالحان در طول تاریخ است. در واقع دعوت به قبول وحدانیت و الوهیت و حاکمیت حضرت است.

همان‌گونه که در آیات مشاهده می‌شود، اساس دعوت انبیاء در هر امتی، توحید و بیزاری از شرک است. این توحید محوری در برنامه حکومت آخرین ولی خدا نیز جایگاه اساسی و ویژه‌ای دارد. تفاوتی که در حکومت و دعوت آخرین منجی با دعوت پیامبران و اولیاء پیشین است، این است که در حکومت جهانی مهدی (عج) همه موانع درونی مثل جهل و غرور و مشکلات و موانع بیرونی مثل طاغوت‌ها و... از میان

در سخن امیر المومنین (ع) نیز، انتظار از محبوب‌ترین اعمال دانسته شده است:

«انتظروا الفرّج و لا تياسوا من روح الله فان احب الاعمال الى الله عزوجل انتظار الفرّج»

«در انتظار ظهور او باشید و از رحمت پروردگار مایوس و ناامید نباشید که محبوب‌ترین کارها نزد خدای متعال انتظار فرج است.» و روایات فراوان دیگری که اهمیت بسیار زیاد مهدویت را به صراحت و شفافیت نشان می‌دهد.

از این تاکیدات و تصریحات، تلویحات و بشارت‌ها دانسته می‌شود که یکی از مسائل مهم و رخدادهای پر اهمیت تاریخ اسلام به ویژه تشیع مسئله غیبت، انتظار و ظهور منجی آخر الزمان می‌باشد. که براساس عقاید شیعی زمانی فراخواهد رسید که بشریت تحت لوای یک انسان کامل، به دور از هرگونه ظلم و ستم، تبعیض و خشونت کینه و جنگ زندگی سراسر روشن و همراه با صفا و صمیمیتی را خواهد داشت. دوران ظهور دارای ویژگی‌ها و ابعادی است که بحث و بررسی و ترسیم آن باعث ایجاد شوق، تلاش، امیدواری، حرکت و همراهی با این رخداد بزرگ است.

در این نوشتار سعی بر آن است که ویژگی‌های جامعه آرمانی عصر ظهور با توجه به آموزه‌های دینی مورد بحث قرار گیرد.

ویژگی‌های عصر ظهور

انقلاب بزرگ مهدوی رخدادی عظیم در تاریخ بشریت می‌باشد با این انقلاب تحولی بس شگرف در تمام عالم هستی رخ می‌نماید. ظهور آغاز عصر طلایی برای تمام انسان‌ها می‌باشد. این دوران دارای ویژگی‌های درخشانی است که به برخی از آن ویژگی‌ها به صورت کلی اشاره می‌شود.

برداشته می شود. از سوی دیگر زمینه های پذیرش ذهنی انسانها برای قبول دعوت آماده است؛ چرا که هریک از ادیان و مذاهب و آئین های گوناگون، به گونه ای "منتظر" منجی آخرالزمان بوده اند و برای تحقق نجات بشریت اندیشه ای داشته اند. به این ترتیب با استعانت از خداوند، امداد نیروهای غیبی، امام عصر دین حق را بر تمام ادیان غلبه خواهد داد. در تفسیر آیه: **"وَلَهُ اسْلَمٌ مِنْ فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا"** فرمودند: **"اِذَا قَامَ قَائِمُنَا لَا يَبْقَى الْاَرْضِ الْاِنْتُوْدَى فِیْهَا شَهَادَةُ اِنْ اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَ اِنْ مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ"**^۷ زمانی که قائم ما قیام کند، در روی زمین جای باقی نماند مگر اینکه ندای لا اله الا الله و محمد رسول الله از آن جا بلند است.

در آن دوران درخشان، تجلیات توحید در سراسر هستی مشاهده می گردد. و این یکی از باشکوه ترین ارمان حکومت مهدوی است، که در این حکومت کمالات توحیدی موجودات جهان ظاهر می شود انسانها فطرت توحیدی شان شکوفا شده و کفر و شرک و نفاق از جهان زوده می شود. آدمیان به توحید روی می آورند و خداوند از روی معرفت و شناخت پرستیده می شود. از همه موجودات نغمه های توحید شنیده می شود و از این رو برخی از عرفا گفته اند: **"لَنْ يَخْرُجَ الْمَهْدَى فِی سَمِيعٍ مِنْ شِرَاكٍ نَعْلَةَ اسْرَارِ التَّوْحِيدِ"**^۸ مهدی (عج) زمانی ظهور خواهد کرد که اسرار توحید از بند نعلین او شنیده شود.

ظهور حق

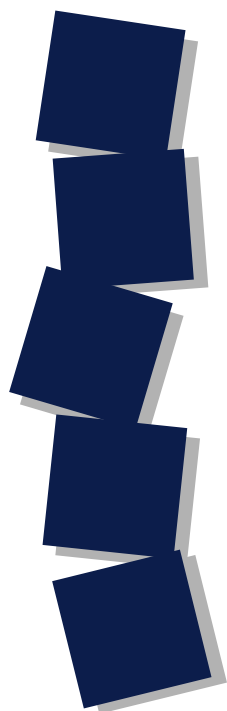
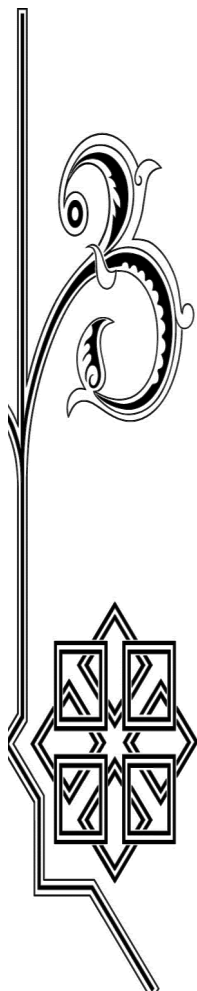
یکی از ابعاد قابل تامل در این دوران اینست که قیام امام زمان (عج) یکی از روزها یا یکی از مواقع ظهور حق می باشد و به این لحاظ صورت پایین تری از "قیامت" تلقی می شود. حق و باطل در این دنیا همواره با یکدیگر بوده اند ولی غلبه، ظهور و بروز حق، آن چنان که باید باشد، تا کنون در این عالم رخ نداده است. از طرفی باطل هم آنچنان که باید، در این نظام خاکی عیان نگشته است. براساس آیات و روایات در همین نظام دنیوی روزی خواهد آمد که حق، غالب، ظاهر و بارز شده و رسوائی باطل آشکار گردد. آن روز موقع قیام حضرت مهدی (ع) است که حق ظهور نموده و روشن و حاکم خواهد شد و بطلان باطل نیز واضح خواهد گشت. هر چند قیام حضرت، قیامت صغری تلقی می شود و از این رو مانند و در حدّ قیامت «از جهت ظهور و حاکمیت حق» نخواهد بود، ولی اصل مسئله آن است که با قیام امام (ع)، حق در حدّ نظام دنیوی آشکار و حاکم می شود.^۹

به جهت همین نکته ظریف است که قیام قائم در کنار رجعت و قیام و قیامت یکی از ایام الله شمرده شده است؛ زیرا در این سه هنگام، حق و باطل روشن و تفکیک خواهد شد. **"عَنْ مِثْنَى الْحَنَاطِ قَالَ: سَمِعْتُ اَبَا جَعْفَرٍ (ع) يَقُوْلُ: اَيَّامُ اللهِ عَزَّوَجَلَّ ثَلَاثَةٌ، يَوْمٌ يَقُوْمُ الْقَائِمُ وَ يَوْمُ الْكُرَّةِ وَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ"**^{۱۰} "...شنیدم امام باقر (ع) می فرمود: روزهای خداوند عزوجل سه روز است، روزی که قائم قیام کند، روز رجعت و روز قیامت."

ویژگی فوق در برخی آیات و روایات اشاره شده است از آن جمله آیه ی ۱۵۸ سوره ی انعام: **"هَلْ يَنْظُرُوْنَ اِلَّا اَنْ تَاتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ اَوْ يَاتِي رِبْكَ اَوْ يَاتِي بَعْضُ اَيَّاتِ رِبْكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا اِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ اَمْنًا مِنْ قَبْلِ اَوْ كَسَبَتْ فِی اِيْمَانِهَا خَيْرًا اَقْلًا اَنْتَظَرُوْا اِنَّا مُنْتَظَرُوْنَ"**

"آیا آنان با ادامه دادن به کفر و انکار خویش، جز این را منتظر هستند که آیت های روشن کننده حق را ببینند و ملائکه به سویشان بیابند، یا پروردگارت به سراغ آنان بیابد، و یا بعضی از آیت های پروردگار تو (در ظهور حق و بطلان باطل) بر آنان پدید آید؟ روزی که بعضی از آیت های پروردگار تو





برآنان پدید آید، کسی که از پیش ایمان نیاورده یا خیری درایمان آوردن به دست نیاورده، ایمان آوردنش سود نمی بخشد. (ای رسول! کافران را) بگو: شما در انتظار نتیجه اعمال زشت خود باشید ما هم در انتظار نتیجه اعمال صالح خویش هستیم.“

از نظر آیت الله استاد محمد شجاعی این آیه با صراحت، پدید آمدن بعضی از آیت های پروردگدر ظهور حق و بطلان باطل را بیان می فرماید و واضح است که این مطلب بر قیامت کبری منطبق نمی باشد، زیرا در قیامت کبری همه آیت های پروردگار آشکار می گردد نه بعضی از آنها، بنابراین روزی که پاره ای از آیت های پروردگار ظاهر می شود، روز دیگر است نه روز قیامت کبری، و این روز دیگر را مصادیق زیاد هست که از جمله آنها روز قیام مهدی موعود است. ۱۱

حدیث امام صادق درباره ی تفسیر آیه فوق همین نکته را تأکید می کند.
 “...عن ابی عبدالله (ع) انه قال فی قوله الله عزوجل: (یوم یاتی بعض آیات ربک لا ینفع نفسا ایمانها لم تکن آمنتم من قبل) فقال: آیات هم الائمه و الآیة المنتظر هو القائم...“ ۱۲
 “...امام فرمود: مقصود از بعضی آیت های پروردگار، ائمه (ع) هستند و آیت ربوبی منتظر (با فتحة ظاء) هم حضرت قائم است...“

از این آیه و روایت نتیجه می گیریم که با ظهور امام عصر حقانیت حق و پوچی باطل در عالم دنیا روشن خواهد شد.

ادامه دارد

پی نوشت

عضو هیئت علمی مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها*

۱. حضرت مهدی در اندیشه اسلامی، ص ۱۶

۲. همان ، ص ۱۳

۳. کمال الدین، ص ۲۸۷

۴. بحار الانوار ج/ ۵۲ باب ۲۲، ص ۱۲۳

۵. نحل/ ۳۶

۶. آل عمران/ ۸۳

۷. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۷

۸. صادقی ارزگانی، محمد امین، آموزه های مهدویت در عرفان اسلامی، ص ۱۳۸

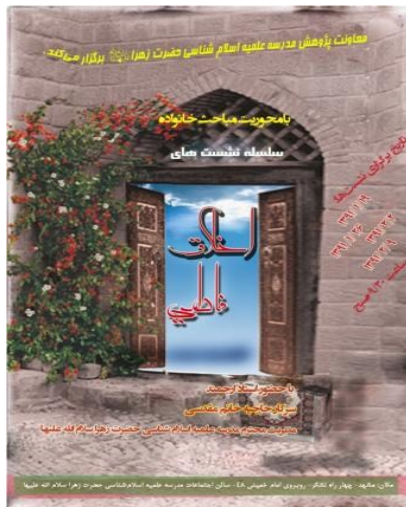
۹. ر. ک، شجاعی، محمد، بقیة الله، ص ۱۳۶

۱۰. الخصال، صدوق، ج ۱، ص ۱۰۸، ح ۷۵

۱۱. بقیة الله، ص ۱۳۷

۱۲. بحار الانوار، ج ۵۱، باب ۶، ص ۵۱، ح ۲۵

خبر



برگزاری سلسله نشست های اخلاق فاطمی

همزمان با شروع ایام فاطمیه معاونت پژوهش مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها سلسله نشست های اخلاق فاطمی را برگزار نمود.

اولین جلسه و افتتاحیه سلسله نشست های اخلاق فاطمی

۱۹ فروردین ماه سال جاری در مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها برگزار گردید .

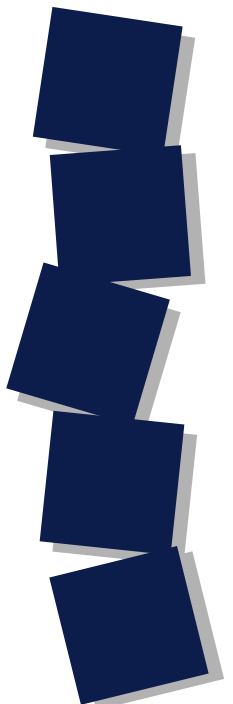
به گفته دبیر گروه اخلاق و تربیت پژوهشگر اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها ، در هر هفته از این نشست ها یک موضوع کلی و چندین ریز موضوع درباره مسائل مختلف تربیتی، اخلاقی، مذهبی و ... عنوان می شود . موضوع هفته اول این نشست که در سالن اجتماعات مدرسه برگزار می شود، "والدین بهترین تکیه گاه فرزندان" می باشد .

در این نشست مدیریت محترم مدرسه علمیه سرکار حاجیه خانم مقدسی به طرح موضوع "وظایف والدین در قبال فرزندان" با توجه به سیره حضرت زهرا سلام الله علیها پرداختند.

شایان ذکر است، این سلسله نشست ها شنبه هر هفته از ساعت ۹.۵ الی ۱۱ با حضور اساتید محترم حوزه علمیه و طلاب کلیه پایه ها در سالن اجتماعات مدرسه علمیه برگزار گردید.

موضوعات نشست ها عبارتند از:

- والدین بهترین تکیه گاه فرزندان
- وظایف همسران در مقابل هم در بوجود آوردن خانواده شادوسالم
- کلیدهای ارتباط سالم با والدین (وظایف فرزندان)
- خانواده (خویشان) واحدی برای ریشه و بقاء



خبر



همایش فرهنگی - پژوهشی بانوی بهشت

به مناسبت فرارسیدن میلاد پر خیر و برکت حضرت فاطمه(س) مدرسه علمیه اسلام‌شناسی همایش فرهنگی - پژوهشی بانوی بهشت را با حضور اساتید و طلاب برگزار نمود. در این همایش سرکار خانم بهمدی استاد محترم حوزه در خصوص شناخت سیره و روش حضرت زهرا سلام الله علیها سخنرانی نمودند. ایشان در بخشی از سخنان خود راه‌های شناخت حضرت زهرا (س) را به عنوان الگوی زن مسلمان چنین برشمردند:

- شناخت حضرت از طریق بررسی کلمات خدای فاطمه(س) در مورد ایشان
 - بررسی کلمات و سخنان پیامبر اکرم(ص) و امیر المومنین (ع) در مورد حضرت زهرا سلام الله علیها
 - بررسی سخنان و خطبه حضرت زهرا (س)
 - بررسی سخنان ائمه در مورد مادرشان حضرت زهرا (س)
- و... در ادامه این همایش مسابقه کتابخوانی بانوی بهشت از کتاب شادی و نشاط در آموزه‌های دینی برگزار شد که به این منظور تعداد ۱۳۰ کتاب به همراه فرم مسابقه بطور رایگان در اختیار طلاب مدرسه قرار گرفت و در پایان مراسم از برگزیدگان مسابقه تقدیر به عمل آمد.
- همچنین در ضمن این همایش نمایشگاه دستاوردهای پژوهشی مدرسه علمیه اسلام‌شناسی نیز برگزار شد. در این نمایشگاه دستاوردهای برتر پژوهشی و پایان‌نامه‌های طلاب مدرسه در خصوص جایگاه زن در دین و آموزه‌های شیعی و... در معرض دید طلاب و علاقمندان قرار گرفت.
- این مراسم با اجرای مولودی و پذیرایی از میهمانان پایان یافت.
- قابل ذکر است که این مراسم در تاریخ ۱۳۹۱/۰۲/۲۳ در محل سالن اجتماعات مدرسه علمیه اسلام‌شناسی برگزار گردید.



مسابقه پیامکی عبد صالح

معاونت پژوهش مدرسه علمیه حضرت زهرا سلام الله علیها به مناسبت فرارسیدن سالگرد ارتحال ملکوتی عارف وارسته حضرت آیت الله بهجت و در راستای بهره‌گیری از آموزه های ناب عرفانی آن شخصیت الهی، مسابقه پیامک با عنوان ”عبد صالح” برگزار نمود.

در این مسابقه طلاب بهترین جمله از بیانات آیت الله بهجت و یا بهترین جمله در مورد ایشان را به صورت پیامک فارسی به سامانه پیام کوتاه مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها ارسال نمودند. به کوتاه ترین، زیبا ترین و پر محتوا ترین جملات دریافتی جوایز نفیسی اعطا شد. اسامی برندگان در تاریخ ۳۰/۲/۹۱ در همایش ”تاثیر اندیشه های کلامی در سلامت روان“ که در سالن اجتماعات مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها برگزار میشود، اعلام گردید.

مسابقه کتابخوانی بانوی بهشت

با استعانت از خداوند منان در آستانه میلاد باسعادت بانوی دو عالم حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها و ایام بزرگداشت مقام مادر همایش بانوی بهشت برگزار شد، مسابقه کتابخوانی یکی از بخشهای برگزاری همایش بود که با هدف تعمیق فرهنگ دینی و گسترش کتاب و



کتابخوانی در میان طلاب از سوی معاونت پژوهش مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها برگزار گردید.

مسابقه کتابخوانی ”بانوی بهشت“ از کتاب شادی و نشاط در آموزه های دینی روز شنبه ۲۳/۲/۹۱ در محل سالن اجتماعات این مدرسه برگزار گردید.

در این راستا تعداد ۱۳۰ کتاب به همراه فرم مسابقه بطور رایگان در اختیار طلاب مدرسه قرار گرفت و از سه نفر از شرکت کنندگان برگزیده در این مسابقه تقدیر به عمل آمد، لازم به ذکر است جوایز اهدایی شامل کتاب و وجه نقد بود که طی مراسمی به مناسبت ولادت باسعادت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها از سوی معاونت پژوهش به برندگان تقدیم شد.

گزارش



حضور فعال معاونت پژوهش

در نمایشگاه کتاب تهران

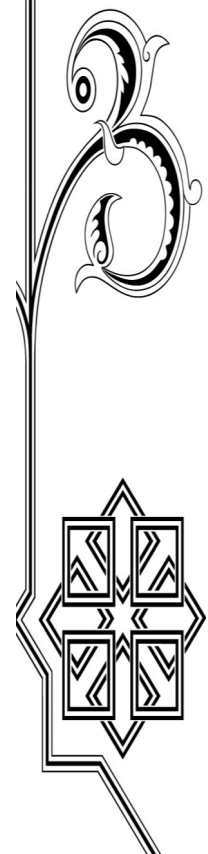
روز چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت مصادف با اولین

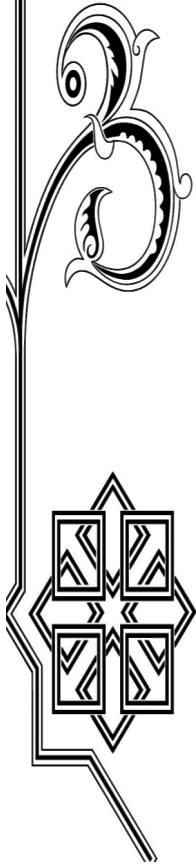
روزنمایشگاه بین المللی کتاب تهران به همراه جمعی از خواهران طلبه مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان رضوی به سرپرستی خانم‌ها حیدرزاده وحسینی برای بازدید از نمایشگاه عازم تهران شدیم. از آنجا که نمایشگاه کتاب تهران بزرگترین رویداد فرهنگی کشور است و ابعاد نمایشگاه هر سال گسترده تر شده و حوزه فعالیت این نمایشگاه از درون مرزها به برون مرزها گسترش یافته، ضرورت حفظ شئون اسلامی در جای جای فضای نمایشگاه ضروری است و مسئولان مربوطه باید تلاش کنند تا فضای نمایشگاه رابه یک فضای فرهنگی تبدیل و حال و هوای دینی و اسلامی را در آن جا حاکم نمایند

همچنین به دلیل افزایش تعداد بازدیدکنندگان داخلی و خارجی از نمایشگاه کتاب باید سعی شود که امور نمایشگاه به شکل مطلوبی پیش رود و تولید کتاب باید مناسب با نیازهای موجود باشد. در این جا باید خاطر نشان کرد، کتابهایی در نمایشگاه عرضه شده بود که بیشتر در زمینه عرفان های نوظهور بوده و بیشترین بازدیدکنندگان را به خود اختصاص داده بود.

از جمله نقطه ضعف های دیگری که باید به آن اشاره کرد فضای نامناسب نماز خانه، دور بودن سرویسهای بهداشتی از نمازخانه، عدم وجود تهویه مناسب در فضای شبستان ها و...، پخش موسیقی تند در فضای نمایشگاه و عدم وجود غرفه هایی از آثار بزرگانی چون شهید بهشتی، شهید مطهری و...، از بارزترین مشکلات نمایشگاه بود.

پیشنهاد می شود بن کتاب به قشر کتابخوان جامعه علی الخصوص حوزویان در شهرستان ها نیز تعلق بگیرد تا انشاءالله شاهد حضور هر چه بیشتر این قشر متعهد در چنین عرصه هایی باشیم. همچنین اگر عناوین کتابها موضوعی شود دسترسی به آنها آسان تر صورت میگیرد و تا حد زیادی از اتلاف وقت متقاضیان جلوگیری می نماید. خانم حیدرزاده از مرکز مدیریت خواهران حوزه علمیه خراسان در مورد بدحجابی خانمها اینطور فرمودند: بانوان طلبه که به عنوان الگودر جامعه می باشند باید به جنبه الگوبودن خود توجه کنند و تنها، عمل





طلاب در این زمینه موثر واقع می‌گردد و امر به معروف و نهی از منکر به تنهایی بی‌فایده است. وی در ادامه اظهار داشت: کارکردن خود خانمها روی بنیان های فکری بهترین راه می باشد و این مادی گرایی و دنیاپرستی است که انسان را از مبانی اصیل دین دور کرده و موجب غوطه ور شدن در فساد و فحشا گردیده که راه غلبه بر آن کارکردن روی اندیشه هاست.

در پایان گفتگو ایشان در این زمینه پیشنهادهاتی را ایراد فرمودند از جمله:

اگر در این گونه نمایشگاهها و تجمعات، حضور حوزویان و خصوصاً خواهران طلاب بیشتر باشد، می تواند بسیار در جامعه مثر ثمر گردد و کناره گیری آنان از این عرصه ها بسیار ناگوار می باشد چون محیط را در جامعه برای بی حجابان و بدحجابان بیشتر باز می کند.

در محوطه بیرونی نمایشگاه با یکی از آقایان روحانی به نام حاج آقاعلی نقی نگینی مصاحبه نمودیم و نظرایشان را هم جويا گشتیم. ایشان فرق بین نمایشگاه امسال را با سال گذشته، اطلاع رسانی ضعیف و بدجابی شدید مسئولین عنوان نمودند و در ادامه افزودند: علت گرایش افراد به بدحجابی، خارج از بحث ندانستن است افرادی هستند که علیرغم اطلاعات خوبی که در این زمینه دارند، حجاب را رعایت نمی کنند. تفکرات انحرافی موجود در جامعه، باعث شده که شک در دین و دل مردم ایجاد شود و آنها نتوانند جواب درستی برای سؤالات دینی خود بیابند و کارخواهران طلبه در این زمینه؛ باید دوچندان گردد.

لازم به ذکر است از آنجا که نمایشگاه کتاب، جشن فرهنگی ارزشمندی است که زمینه توجه آحاد جامعه را در حوزه کتاب بیشتر فراهم میکند. و هدف از برگزاری نمایشگاه نیز اعتلای فرهنگ کتاب و کتابخوانی و رضایت مردم فرهنگ دوست کشور است، بایستی برای پیشبرد اهداف نمایشگاه انتقادات سازنده توسط همه موسسات فرهنگی صورت بگیرد. درست است که تا شرایط ایده آل فاصله زیادی است اما رسیدگی مسئولان فرهنگی مربوطه را می طلبد. زیرا اگر کتابخوانی با هدف مشخصی نباشد و منجر به تغییر رفتار در افراد نگردد، نه تنها ارزشی ندارد بلکه در برخی موارد مضر نیز می باشد.

در پایان این گزارش، از زحمات بی شائبه مرکز مدیریت حوزه خواهران خصوصاً خانمها: حیدرزاده وحسینی، نهایت تشکر را داریم که با سعه صدر و اخلاق خوش، ما را در پیشبرد اهدافمان یاری نمودند.



کلام‌آحاد

یکی از نیازهای حوزه‌های علمیه، بهره‌گیری از یک شورای برنامه‌ریزی آگاه به شیوه‌های علمی و نوین برنامه‌ریزی است. حوزه‌های علمیه همواره مهد آزاد اندیشی و بحث‌های جدی علمی بوده‌اند بنابراین کرسی‌های آزاداندیشی باید به یک عرف در حوزه‌های علمیه تبدیل شوند و زمینه تحمل دیدگاه‌های مختلف علمی فراهم شود.

دیدار جمعی از اساتید، فضلا، پژوهشگران و مبلغان حوزه‌های علمیه قم، مشهد و اصفهان

(۱۳۸۶/۰۹/۰۸)

